



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: نوآوری در فقه.

اولین بحث در مورد بانکها و چگونگی فعالیت آنها می باشد، آیا بانکها پول مردم را به عنوان قرض می گیرند و آثار قرض بر آن مترتب می شود یا نه؟ قبل از انقلاب بانکها قرض می دادند و سود می گرفتند اما بعد از انقلاب و با فرمان امام رضوان الله علیه قرار شد که بانکها لاریوی باشند، وجود بانک قطعاً مورد احتیاج مردم می باشد منتهی باید بینیم بانکها پولهای مردم را تحت چه عنوانی می توانند بگیرند.

این بحث به دو باب از ابواب فقهی ما مربوط است؛ اول قرض و دوم ربا، امام رضوان الله علیه در تحریرالوسیلة بحث قرض را اینطور مطرح کرده اند که اولاً قرض یکی از عقود است که بین مقرض یعنی قرض دهنده و مستقرض یعنی قرض گیرنده منعقد می شود و تمامی شرایطی که برای عقود دیگر ذکر شده مانند بلوغ و عقل در اینجا نیز معتبر می باشد، ثانیاً آن چیزی که مقرض قرض می دهد باید عین خارجی باشد لذا دین یا منفعت را نمی توان قرض داد، ثالثاً در قرض، قبض از طرف مقترض و اقباض از طرف مقرض معتبر است، خلاصه اینکه قرض نیز مانند دیگر عقود شرایطی دارد.

بحث دیگری که در قرض مطرح شده این است که در باب قرض عین خارجی قرض داده می شود لذا در مثلی باید مثل داده شود مانند گندم و برنج و امثالهما و در قیمی باید قیمت داده شود مانند حیوان، حالا امام رضوان الله علیه فرمودند فرض کنید اسبی را قیمت کردم

و قرض دادیم و حالا بعد از یکسال که می خواهیم پس بگیریم آیا قیمت يوم الدفع و يوم المعاملة و يوم القبض میزان است یا قیمت يوم الأداء؟ امام رضوان الله علیه می فرمایند قیمت يوم القبض میزان است، خلاصه این مباحث مطرح می باشد.

مقداری از کلام امام رضوان الله علیه را می خوانیم تا

با بحث آشنا بشویم: «القول: في الربا

و قد ثبت حرمة بالكتاب و السنة وإجماع من المسلمين، بل لا یبعد كونها من ضروریات الدین، و هو من الكبائر العظام، و قد ورد التشدید علیہ فی الكتاب العزیز و الأخبار الكثيرة؛ حتی ورد فیہ فی الخبر الصحیح عن مولانا الصادق علیه السلام، قال: "درهم ربا عند الله أشد من سبعین زنية کلها بذات محرم"، وعن النبي صلى الله عليه و آله و سلم في وصيته لعلي عليه السلام، قال: "يا علي الربا سبعون جزءاً، فأيسرها مثل أن ينكح الرجل امه في بيت الله الحرام"، وعنه صلى الله عليه و آله و سلم: "ومن أكل الربا ملأ الله بطنه من نار جهنم بقدر ما أكل، و إن اكتسب منه مالاً لم يقبل الله منه شيئاً من عمله، ولم يزل في لعنة الله و الملائكة ما كان عنده منه قيراط واحد"، وعنه صلى الله عليه و آله و سلم: "إن الله لعن أكل الربا ومؤكله و كاتبه و شاهديه" إلى غير ذلك.<sup>۱</sup>

امام رضوان الله علیه در ادامه کلامشان انواع ربا و شرایط آن را بیان می کنند و بحث را اینطور پیش می برند: «و هو قسمان: معاملي و قرضي.

<sup>۱</sup> تحریرالوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۵۶۹، ط نشر آثار.

گناه در قرآن کریم از همه گناه ها بالاتر است؛ یکی مربوط به امور اجتماعی است که همان تولی با کفار و گرایش قلبی به آنها می باشد و دیگری مربوط به امور اقتصادی است که همین ربا می باشد و علت این تشدید در مورد ربا این است که ربا باعث سقوط اقتصاد می شود، در اسلام پول و درآمد باید در مقابل کار باشد نه اینکه پول در مقابل پول باشد زیرا در این صورت روز به روز مقرض پول دار تر و مقترض فقیر تر می شود.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهرین

أما الأول: فهو بيع أحد المثلين بالآخر مع زيادة عينية، كبيع من من الحنطة بمنين أو بمن منها ودرهم. أو حكمية كمن منها نقداً بمن منها نسيئة. والأقوى عدم اختصاصه بالبيع، بل يجري في سائر المعاملات كالصلح ونحوه. وشرطه أمران:

الأول: اتحاد الجنس عرفاً، فكلمة صدق عليه الحنطة أو الأرز أو التمر أو العنب بنظر العرف، وحكموا بالوحدة الجنسية، فلا يجوز بيع بعضها ببعض بالتفاضل وإن تخالفا في الصفات والخواص، فلا يجوز التفاضل بين الحنطة الرديّة الحمراء و الجيدة البيضاء، ولا بين العنبر الجيد من الأرز و الرديء من الشنبة، و رديء الزاهدي من التمر و جيد الخستاي، وغير ذلك ممّا يُعدّ عرفاً جنساً واحداً، بخلاف ما لا يعدّ كذلك كالحنطة و العدس، فلا مانع من التفاضل بينهما.

الثاني: كون العوضين من المكيل أو الموزون، فلا ربا فيما يباع بالعدّ أو المشاهدة.<sup>۲</sup>

چون ما می خواهیم در مورد بانکها و فعالیتشان بحث کنیم بیشتر ربای قرضی مورد بحث خواهد بود.

امام رضوان الله عليه بعد از بیان مطالب مذکور شروع به ذکر مسائل و فروعاتی می کند که بعداً خواهیم خواند.

بنده یک کتابی در باب ربا دارم که در آنجا نوشته ام خداوند متعال در هفت جا از قرآن کریم خیلی با شدت در مورد حرمت ربا صحبت کرده و دیگر اینکه آیت الله طباطبائی اعلی الله مقامه در تفسیر المیزان می فرماید دو

<sup>۲</sup> تحریر الوسیلة، امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۵۷۰، ط نشر آثار.